

گونه‌شناسی جریان‌های فکری حوزه

و نسبت آن‌ها با اندیشه انقلاب اسلامی



نویسنده: سید محسن طباطبایی فر | ویراستار: رضا مصطفوی

مدیر اجرایی: مهدی نظری | انتشارات: مکتب اندیشه | شابک: ۹۶۲۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۱-۲

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵ | شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه | قیمت: ۳۵,۰۰۰ تومان



سرشناسه: طباطبایی فر، محسن، ۱۳۵۳ - | عنوان و نام پدیدآور: گونه‌شناسی جریان‌های فکری حوزه: و نسبت آن‌ها با اندیشه انقلاب اسلامی / نویسنده سید محسن طباطبایی فر؛ ویراستار رضا مصطفوی. | مشخصات نشر: قم: مکتب اندیشه، ۱۳۹۵. | مشخصات ظاهری: ۵۲۰ ص. مصور. | شابک: ۹۶۲۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۱-۲ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس. | موضوع: حوزه علمیه قم -- تاریخ | موضوع: Hozeh Elmīyeh Qom -- History | موضوع: تفکر دینی -- ایران -- قرن ۱۴ | موضوع: Religious thought -- Iran -- 20th century | موضوع: حوزه‌های علمیه -- ایران -- قم -- هدف‌ها و نقش‌ها | موضوع: *Islamic theological seminaries -- Iran -- Qom -- *Aims and objectives | موضوع: اسلام -- تجدید حیات فکری -- تاریخ -- قرن ۲۰ م. | موضوع: Islamic renewal -- History -- 20th century | موضوع: حوزه‌های علمیه -- تاثیر | موضوع: *Islamic theological seminaries -- Influence | موضوع: حوزه‌های علمیه -- ایران -- تاریخ | موضوع: *Islamic theological seminaries -- Iran -- History | موضوع: مکتب تفکیک | موضوع: *Tafkik school | موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی. ۱۳۵۷ -- روحانیت | موضوع: Clergy -- Political activity -- Iran | موضوع: Clergy -- History -- Islamic Revolution -- 1979, Iran | رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۷۱۰۵۵۱۲۸ | رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ گ ۲ ط ۴۷ / BP۷ | شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۰۵۵۹۵



شبکه ارتباط با مخاطب

دفتر مرکزی: قم . بلوار شهید صدوقی . کوچه ۵۶ . پلاک ۷۴ | تلفن: ۰۵-۳۲۹۰۶۴۰۴-۲۵

دفتر پخش: قم . خیابان معلم . مجتمع ناشران . طبقه اول . فروشگاه ۱۳۱ | تلفن: ۰۶-۳۷۸۴۰۸۴۴-۲۵

پست الکترونیک: info@seratolmobin.com | سایت: www.seratolmobin.com



پیش‌گفتار ۹

بخش یکم

چارچوب نظری | ۱۳ | پیش‌نمایش

مقدمه ۱۵

فصل اول: الگوهای تحلیل، فرضیه‌ها و مفاهیم ۲۰

الف. الگوهای تحلیل ۲۰

۱. تقسیم‌بندی روحانیون بر محور مدرنیته ۲۱

۲. تقسیم‌بندی روحانیت بنا بر اقبال یا ادبار به امر سیاست ۳۳

۳. تقسیم‌بندی روحانیت بر اساس ترابط با جمهوری اسلامی ۴۰

ب. چارچوب نظری ۵۶

ج. مفاهیم اساسی ۷۱

بخش دوم

جریان‌های اجتهادی | ۸۳ |

- فصل دوم: جریان اجتهاد سنتی ۱۰۰
- الف. توقف بر مصرحات منصوصات ۱۰۱
- ب. التزام نسبت به فهم گذشتگان ۱۰۳
- ج. تأکید بر فهم سنتی در اجتهاد ۱۰۴
- فصل سوم: جریان اجتهاد پویا ۱۱۵
- الف. تقویت عقل‌گرایی در روش اجتهاد ۱۲۵
- ب. فهم اجتماعی از شریعت ۱۳۰
- ج. بازنگری و تقویت برخی از وجوه سنت اجتهاد ۱۳۳

بخش سوم

- جریان‌های نص‌گرا | ۱۴۹ پیش‌نمایش نمایش
- فصل چهارم: جریان مکتب تفکیک ۱۵۳
- الف. مظلّم دانستن نفس انسانی ۱۵۷
- ب. تلقی خاص از عقل ۱۵۷
- ج. مخالفت با عقل فلسفی ۱۶۱
- فصل پنجم: جریان تجدّدستیزی (سنت‌گرایان اسلامی) ۱۸۲
- الف. نقد مدرنیته ۱۸۷
- ب. مخالفت با فلسفه ۱۹۲
- ج. بازگشت به نص ۱۹۶
- فصل ششم: اسلام برائتی: (ولایتی‌ها) ۲۰۹
- الف. بازگشت به قرآن و عترت ۲۱۲
- ب. تأکید بر اصل امامت به عنوان اساس اسلام ۲۱۳

۲۱۴	ج. تفسیر ولایی از متن.....
۲۱۶	د. ترویج عقاید امامیه.....
۲۱۹	هـ. تلاش در بزرگ‌نمایی نمادهای هویت‌ساز شیعه.....
۲۳۸	فصل هفتم: جریان بازگشت به قرآن.....
۲۴۰	الف. خودبنیادی قرآن.....
۲۴۱	ب. سنت ثقل اصغر.....
۲۴۴	ج. فهم قرآن با قرآن.....
۲۶۱	فصل هشتم: جریان ضد فلسفه.....
۲۶۳	الف. ضدیت با فلسفه.....
۲۷۰	ب. تلقی خاص درباره عقل.....
۲۷۲	ج. روی‌کرد کلامی.....

نسخه پیش‌نمایش

بخش چهارم

جریان‌های عقل‌محور | ۲۷۹ |

۲۹۳	فصل نهم: جریان نوصدرایی.....
۳۱۳	الف. به‌کارگیری فلسفه در خدمت شریعت.....
۳۱۸	ب. منطق باطنی فهم دین.....
۳۲۴	ج. ارائه نظام جامع از شریعت.....
۳۲۷	د. موضع در قبال مدرنتیة.....
۳۴۷	فصل دهم: جریان سلوکی‌معرفتی.....
۳۵۷	الف. مسیر سلوکی ویژه.....
۳۶۳	ب. دفاع از حکمت متعالیه و عرفان محیی‌الدین.....

۳۶۵.....	ج. علم و فقاہت
۳۶۷.....	د. نداشتن سلسله
۳۷۵.....	فصل یازدهم: جریان تمدن اسلامی (فرهنگستان)
۳۷۹.....	الف. فلسفه تاریخ
۳۸۹.....	ب. نقد تجدد
۳۹۶.....	ج. الگوی تمدن اسلامی براساس فلسفه شدن
۴۲۱.....	فصل دوازدهم: جریان نواندیشی حوزوی (دموکراسی خواهی)
۴۲۸.....	الف. نقد ریخت اقتدارگرایی دانش سیاسی مسلمانان
۴۳۲.....	ب. تلاش در برقراری نسبت بین دین و دموکراسی
۴۴۸.....	فصل سیزدهم: نواندیشی دینی
۴۵۹.....	الف. مبارزه با تحجر و بدعت‌ها
۴۶۱.....	ب. توان‌مندسازی دین

خاتمه

جمع‌بندی و برخی نتایج | ۴۷۷ |

منابع و مآخذ | ۴۹۵ |

۴۹۷.....	منابع فارسی
۵۱۱.....	منابع عربی
۵۱۵.....	مقالات
۵۱۹.....	سایت‌ها

L پیش‌گفتار

سخن از جریان‌های فکری و آثار سازنده یا مخرب آن در فضای اندیشه و عمل ایرانیان، چند صباحی است رونق یافته است. تنفس هر یک از اندیشمندان در فضای ناشی از جریان‌های خاص و ارجاع استنادات خود به برخی متون و نادرتهای نگاشتن دیگر متن‌ها، گویای جدی بودن حیات و حرکت جریان‌های فکری است. این نگره، متفکران را ذیل جریان‌ات و نماینده‌ای از آن طرز تلقی و سلوک قلمداد می‌کند. در این صورت نقطه اتکا و بررسی اندیشه‌ها، نه شخص متفکر، بلکه نحله فکری او است. در صورت اول، زیست بوم متفکر، شرایط فیزیکی و اجتماعی اطراف او، روان‌شناسی شخصیتی و آثار مترتب به هر یک، محور گفت‌وگوست؛ اما در رویکرد جریانی، اصول جریان به عنوان چارچوب بحث لحاظ می‌شود و جامعه‌شناسی معرفت و یا دیرینه‌شناسی، معطوف به اصول جریان خواهد بود. در این صورت متفکر ذیل جریان و به عنوان مؤسس یا نماینده آن «جریان» مورد ملاحظه و مذاقه قرار می‌گیرد. اصراری بر استقرای (نسبتاً) تام و یافتن «همه» یا «اکثر» نمایندگان یک جریان فکری نیست؛ بلکه با شناسایی مؤسس یا مؤسسان جریان و نمایندگان عمده آن طرز تفکر، می‌توان پرتویی بر اصول

و سیر تحولات جریان انداخت.

این روی‌کرد در ترسیم نقشه فکری و فهم بهتر تحولات نظری پیرامون مؤثر است. هم‌چنین متفکران بر اساس قرابت‌ها یا استبعاد فکری تقسیم‌بندی می‌شوند. دیگر زمان و مکان، ملاک هم‌گروهی نخواهد بود و انسان‌ها می‌توانند از فرسنگ‌ها بُعد مکانی و قرن‌ها فاصله زمانی، به یک دیگریاری رسانند، هم‌دیگر را نفی کنند، یا به تضارب آرا پردازند.

ظرفیت‌ها و آسیب‌ها، نه در افراد، بلکه در فکر و اندیشه‌ای است که متفکران از آن سیراب می‌شوند و در ادامه به آن یاری می‌رسانند.

برای رسیدن به این شناخت، نخست باید هر یک از متفکران صاحب سبک را شناسایی کنیم، آثار آن‌ها را با روش جامعه‌شناسی معرفت مطالعه کنیم و اصول ایشان را به دست آوریم. اما روی‌کرد جریانی در همین اندازه باقی نمی‌ماند. روی‌کرد جریانی، میزان دوری و نزدیکی اصول این متفکران به یک‌دیگر را بررسی و از عرضه آن‌ها به یک‌دیگر، مبانی و چارچوب نظری مشترک میان آن‌ها را صید می‌کند. در مرحله بعد، این چارچوب نظری را به اشتراک گذاشته و متفکران نزدیک به آن را معرفی می‌کند. خلاصه آن‌که حرکت از جزء به کل و بالعکس به صورت مداوم، برای رسیدن به چارچوبی نسبتاً مستحکم و منسجم، استمرار خواهد داشت. این نگره در سطح کلان و خرد قابل پی‌گیری است؛ چنان‌چه می‌توانیم از جریان فکری شرق، در مقابل غرب و یا جریان فکری دانشگاه در برابر جریان فکری حوزه سخن بگوییم؛ می‌توانیم از جریان‌های فکری شرق، یا جریان‌های فکری حوزه حرف بزنیم. پیش‌فرض نوشتار حاضر این است که توصیف بسترها یا محیط‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیازمند روی‌کرد جریانی است، تا ضمن آشنایی محقق با نقشه کلی حرکت جریان‌ها، از افتادن او در دام جزئی‌نگری و غفلت از کل، جلوگیری کند. این روی‌کرد برای شناخت خرده‌جریان‌های فعال ذیل

جریان‌های کلان فکری فرهنگی کشور نیز می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

حوزه‌های علمیه دیرزمانی است که به عنوان قوی‌ترین «نهاد» در جوامع دینی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته‌اند. این جایگاه به مدد پشتوانه علمی، لزوم مراجعه مردم به ایشان برای بیان احکام، زهد و ریاضت علما و نقش ایشان در حل مشکلات روزمره مردم به دست آمده است. پیروزی انقلاب اسلامی، به همت تحصیل‌کردگان این مدرسه علمی، بر اهمیت فوق‌افزود؛ به گونه‌ای که امروزه می‌توان بسیاری از آسیب‌ها و فرصت‌های موجود در عرصه‌های فرهنگ، سیاست و اجتماع ایرانی را در حوزه جست‌وجو کرد. این مجموعه هر قدر از بیرون متلائم و یک دست دیده می‌شود، همانند هر مجموعه علمی پژوهشی دیگر، در طول تاریخ، شاهد جریان‌ات و مکاتب فکری مختلف بوده و در تکاپوی علمی بین آن‌ها، حیات این شجره طیبه استمرار یافته است. گوناگونی دغدغه‌ها، برچگونگی مراجعه به متن و آثار استنباط شده از آن، اثر گذاشته و سازوکارهای اجتهادی متفاوت را رقم زده است. چگونگی تعامل با دشواره‌های عملیات استنباط و منابع تشریح و تضارب آرا در مسائل مستحدثه، این گوناگونی را تقویت کرده است. مهم این است که این دشواره‌ها هنوز راه‌حل نهایی و سرنوشت‌سازی پیدا نکرده‌اند و نزاع میان جریان‌های متعدد (حتی درون یک مکتب و جریان) به شدت ادامه دارد و با ورود متغیرهای جدید، تشدید هم شده است. متفکران حوزوی و پیش‌تر ناظران غیرحوزوی، تمایل شدیدی برای شناخت بهتر جریان‌های فکری حوزوی یافته‌اند. در این شرایط پرسش از چیستی جریان‌های فکری حوزه قم جدی است. بررسی این‌که جریان فکری چیست؟ ویژگی‌های جریان‌های فکری در حوزه چیست؟ چارچوب نظری و آبخور فکری هریک از این جریان‌ات کدام است؟ آثار هریک از این جریان‌ات، چگونه در حوزه بروز و ظهور پیدا می‌کنند؟ مؤسس یا مهم‌ترین نمایندگان فعال جریان کدام‌اند؟ ضرورتی فوری است. پس از شناخت

نقشه جریان‌ات فکری و نشانه‌گذاری آن‌ها برای فهم مرزبندی‌های درون‌گفتمانی، ضروری است به این پرسش پردازیم که نسبت هریک از این جریان‌ات با دیگری چیست؟ چگونه جریان‌ات از یک دیگر کمک می‌گیرند؟ هریک از این جریان‌ها چگونه درصدد حل بحران زمانه خودند؟ نسبت این جریان‌ات با اندیشه انقلاب اسلامی چیست؟

این نوشتار در مقام توصیف وضعیت فکری حوزه معاصر قم و درصدد پاسخ به پرسش‌های گذشته است. بر این اساس، در بخش اول، ذیل عنوان «چارچوب نظری» به تمهیدات نظری این پژوهش، از قبیل مفاهیم، ادبیات موضوعی و روش تحقیق می‌پردازیم. در بخش‌های دوم، سوم و چهارم نیز سه جریان اجتهادی، نص‌گرایان و جریان عقل‌محور را بررسی می‌کنیم. ذیل هریک از این بخش‌ها، خرده‌جریان‌های فعال در هریک از این کلان‌جریان‌ات را بیان و نسبت آن‌ها با اندیشه انقلاب اسلامی را توضیح می‌دهیم.

بر مبنای آنچه که آمد، این نوشتار درصدد آن است که جریان‌های فکری فعال در حوزه معاصر قم را تشریح کند و مدعی است: «در پس‌زمینه‌ای از فقه و اصول، جریان‌اتی در حوزه قم حضور و استمرار دارند که با گفت‌وگوهای درون‌متنی خود، تلاش در یارگیری از دیگر جریان‌ها و غلبه اندیشه‌ای برسوگیری حوزویان دارند.» برای توضیح این مدعا باید آثار اندیشه‌گی مؤسس یا نمایندگان فعال هریک از جریان‌ات، بررسی و اصول آن‌شناسایی و سپس زنجیره‌های هم‌عرضی و تداوم را در اندیشه‌ها جست‌وجو کرد.

با عنایت به تازگی این بحث، در نخستین گام، لازم است چارچوب نظری منسجمی برای بحث و توصیف جریان‌های فکری در حوزه معاصر قم، به دست آوریم.

نسخه پیش نمایش

بخش یکم

چارچوب نظری

L مقدمه

حوزه معاصر قم با انقلاب اسلامی پیوند خورده است؛ به گونه‌ای که تحولات در یکی، تغییر در دیگری را در پی دارد. شکل‌گیری جمعی از روحانیون انقلابی برگرد نظریه فقهی امام خمینی در زمینه ولایت فقیه، طی چند دهه اخیر و تدوین نظری و عملی اندیشه انقلاب شیعی، تحولات شگرفی را در ایران، منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و جهان ایجاد کرده است. نگاهی گذرا به تاریخ حوزه قم و بیان نسبت آن با امر سیاست در دهه‌های پیش از دهه ۵۰ برای فهم تحولات فکری حوزه در آستانه انقلاب و پس از آن ضروری است.

برخی نویسندگان، تاریخ حوزه قم را به قرن دوم و سوم هجری بازمی‌گردانند که مهاجرت اشعریون به قم و نشر احادیث ائمه، این شهر را به یک مرکز دینی مهم تبدیل کرد. براساس منابع تاریخی، محمد فیض قمی (۱۳۷۰-۱۲۹۳ق.) در سال ۱۳۳۳ق. با بازگشت از سامرا به قم، در سال ۱۳۳۶ق. مدارس فیضیه و دارالشفایا که از کاربری علمی خارج شده بودند، بازسازی کرد و طلاب را آنجا اسکان داد.^۱ هم‌بود که در ۱۳۴۰ق. برای آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، که

۱. رسول جعفریان، برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۱۶-۱۵؛ محمد شریف رازی، آثار الحجّه یا تاریخ و دائرة المعارف حوزه علمیه قم، قم: برقمی، ۱۳۳۳-۱۳۳۲، ج ۱، ص ۱۳۸.

در آن وقت در اراک بود، نامه نوشت و او را به سکونت در قم دعوت کرد. حائری که از علمای زبده و شاگردان مبرز استادان مشهوری چون سید محمد فشارکی اصفهانی، میرزا محمد حسن شیرازی، ملا محمد کاظم (آخوند) خراسانی و سید محمد کاظم طباطبایی بود، با استقرار در قم، بسیاری از شاگردانش را از حوزه اراک به قم کشاند؛ از جمله سید محمد تقی و سید احمد خوانساری، سید روح الله (امام) خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی و شیخ محمد علی اراکی. از دیگر بلاد نیز عالمانی چون سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، شیخ محمد رضا مسجد شاهی و میرزا محمد علی شاه‌آبادی رهسپار قم شدند.^۱ در این میان، ورود عالمان بزرگ و مشهوری چون آسید ابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نائینی از نجف به قم، استقبال مرحوم حائری از ایشان و واگذاری محل تدریس خویش به آنان، بر قوام حوزه قم افزود.^۲ همزمان مرحوم حائری در گسترش و ساماندهی علمی و ساختاری حوزه قم کوشید؛ به گونه‌ای که در مقابل طرح دولتی‌ها برای برگزاری امتحان طلاب، برای جذب قشری از تحصیل‌کردگان در ادارات دولتی، خواستار برگزاری امتحان در قم و تحت نظارت ایشان شد.

این تحولات بیش از پیش توجه حکومت مرکزی را به حوزه قم جلب کرد. احمد شاه یک بار در بیست و یکم ربیع‌الاول ۱۳۴۲ برای عرض تبریک تأسیس حوزه علمیه قم^۳ و بار دیگر هنگام آمدن علمای نجف به قم،^۴ به این شهر سفر کرد. ورود سردار سپه (رضاخان) به قم، هنگام نخست‌وزیری و طرح قضیه جمهوری در ششم فروردین ۱۳۰۳، گفت‌وگو با علما و از جمله مرحوم حائری و صرف نظر کردن

۱. برای مشاهده فهرستی از این علما، ن. ک: همان، ج ۱، صص ۲۳۴-۲۱۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴.

۳. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران: مروارید، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۳۲.

۴. محمد شریف رازی، آثار الحجة یا تاریخ و دائرة المعارف حوزه علمیه قم، پیشین، ج ۱، ص ۸۵.

از آن، موجب بهره‌برداری متقابل حوزه علمیة قم و دولت گردید. ^۱ مهاجرت علمای اصفهان به رهبری حاج آقا نورالله اصفهانی به قم، در اعتراض به نظام سربازگیری اجباری نیز موجب تحرک سیاسی قم شد. مجموع این تحولات برون اجتماعی حوزه قم و جایابی نهاد روحانیت در ایران معاصر افزود.

پس از رحلت آیت‌الله حائری (۱۳۵۵ق.) تا ورود آیت‌الله بروجردی به قم (۱۳۶۳ق.) سرپرستی حوزه به صورت ائتلافی بر عهده آیات عظام: سیدمحمد حجت کوه‌کمری، سیدمحمدتقی خوانساری و سیدصدرالدین صدر قرار گرفت. با تمام کوششی که این سه مرجع بزرگ در حفظ و اداره حوزه علمیة قم انجام دادند، از سویی به دلیل فشار حکومت پهلوی و از سوی دیگر، نبود تمرکز در زعامت و مرجعیت، وضع حوزه علمیة قم نابه‌سامان شد. ^۲ در این برهه، خطر از هم گسستن حوزه و پراکندگی حوزویان، حوزه نوبنیاد را تهدید می‌کرد. حتی شمار طلاب این حوزه از حدود هزار نفر به حدود چهارصد نفر کاهش یافت. از این رو شماری از علما به این فکر افتادند که با دعوت از آیت‌الله بروجردی، اقتدار از دست رفته را به حوزه علمیة بازگردانند. برجستگی آقای بروجردی در این بود که گرایش سیاسی داشت. او بر این باور بود که دین اسلام، دین سیاسی و اجتماعی است و این‌گونه نیست که احکام اسلام تنها ویژه امور عبادی باشد؛ بلکه بیش‌تر احکام آن برای سامان دادن به زندگی سیاسی و اجتماعی مردم است. ^۳

دوران بروجردی را دوره تحکیم و توسعه حوزه علمیة قم و مرجعیت، ارزیابی

۱. مهدی حائری یزدی، خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، به کوشش حبیب‌الله لاجوری، تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸.

۲. علی شیرخانی و عباس زارع، تحولات حوزه‌های علمیة پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۳۵-۳۴.

۳. مهدی حائری یزدی، خاطرات، پیشین، ص ۶۰.



جهت خرید آنلاین نسخه چاپی یا دانلود نسخه الکترونیکی به سایت

www.smcsi.ir

مراجعه

و یا با شماره ۰۲۵-۳۲۹۰۶۴۰۴ تماس حاصل فرمایید.